



---

## لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) در عملیات بدر

پدیدآورنده (ها) : زارع زاده، نادر

میان رشته ای :: نشریه نگین ایران :: بهار ۱۳۹۲ - شماره ۴۴

صفحات : از ۳۹ تا ۵۸

آدرس ثابت : [www.defadocs.ir](http://www.defadocs.ir)

تاریخ داندود : ۱۴۰۲/۱۲/۲۶

---

- معرفی کتاب؛ "روند جنگ ایران و عراق" و "گزارش‌های روزانه صحنه نبرد لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب در عملیات بدر"
- مروری بر عملکرد لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) در دفاع مقدس/۱؛ «از شکل‌گیری تیپ ۱۷ قم تا پایان عملیات الی بیت المقدس»
- لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب (ع) در چند نگاه
- لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) در عملیات کربلای ۵ سردار سرتیپ علی فضل‌ی
- خلاصه گزارش نشست کارشناسی بررسی نقش بسیج در لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) در دوران دفاع مقدس (مردادماه ۱۳۹۳ قم)
- در مسلخ عشق جز نکو را نکشند: سردار رشید اسلام شهید علی بسطامی فرمانده اطلاعات و عملیات لشکر امیر المومنین (ع) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
- لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب(ع) در عملیات خیبر؛ سردار سرتیپ غلامرضا جعفری و تیم همراه
- گزارش همایش؛ "واکاوی نقش لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در عملیات محرم"
- تکنیک‌های عملیات روانی امام علی(ع) در رویارویی با دشمنان؛ مطالعه موردی خطبه‌های نهج‌البلاغه
- رابطه حضرت فاطمه(س) و امام علی(ع) در الطبقات الکبری ابن سعد



## لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) در عملیات بدر

نادر زارعزاده\*

www.defadocs.ir

<p>مهم‌ترین ویژگی عملیات بدر، توانایی و جسارت رزمندگان اسلام در بهره‌گیری از تدابیر و راهکارهای جدید برای درهم‌شکستن خطوط دفاعی دشمن در خط و عمق بود و این ویژگی در طراحی و اجرای مأموریت واگذار شده به لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب (ع) به وضوح دیده می‌شود. نوشته حاضر برگرفته از روایت لحظه به لحظه عملیات لشکر توسط راوی، شهید حسین الله‌داد است که در آن به مقاومت رزمندگان لشکر و عملکرد یگان‌ها در مقابل پاتک‌های پی‌درپی و سنگین دشمن، برجسته‌تر پرداخته شده است.</p> <p>کلیدواژگان: جنگ - لشکر ۱۷ - عملیات بدر - هورالهیوزه - تیپ قمر بنی‌هاشم</p>	چکیده		

### مقدمه

منطقه مورد نظر به دو بخش شمالی و جنوبی تقسیم شد. محور شمالی به قرارگاه نجف و محور جنوبی به قرارگاه کربلا واگذار شد و قرارگاه نوح نیز مأموریت شکافتن کانال سوئیب و انداختن آب به سمت بصره را بر عهده داشت. در مجموع چهار لشکر و یک تیپ از ارتش و نه لشکر و نه تیپ از سپاه در عملیات شرکت داشتند.<sup>(۱)</sup> عملیات در ساعت ۲۳ روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ با رمز یا فاطمه الزهراء (س) آغاز شد. در محور قرارگاه کربلا در همان ساعات اولیه مهم‌ترین

عملیات بدر با هدف قطع جاده بصره-العماره و تهدید بصره از شمال طراحی شد. منطقه عملیاتی با وسعت بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع در شرق رودخانه دجله با نام هورالهیوزه و حد فاصل بین قلعه صالح و القرنه قرار داشت.<sup>(۲)</sup> عملیات بدر از دو محور عمده در حد فاصل العزیر تا القرنه طراحی شد و در کنار آن یک تلاش کمکی از سمت شمال و دو حرکت فریب در شلمچه و غرب اروند (جنوب) و گیسکه در غرب کشور در نظر گرفته شد.<sup>(۳)</sup> در طراحی این عملیات

\* مدیر گروه جغرافیای نظامی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

مهیا سازد. همچنین مسئولیت پدافند از پد ۷ و قسمتی از پد ۸ واقع در ضلع غربی جزیره مجنون شمالی به این لشکر واگذار شد. به تدریج نیروهای پشتیبانی و خدمات رزم وارد منطقه شده و در محدوده واگذاری مستقر گردیدند. این نیروها ضمن انجام فعالیت‌های ویژه خود برای آماده‌سازی منطقه عملیاتی، پدافند از مواضع استقراری را هم به صورت پاسگاهی اجرا می‌کردند.<sup>(۷)</sup> در تابستان ۱۳۶۳ به اطلاعات لشکر ابلاغ شد تعدادی از عناصر خود را به قرارگاه اطلاعاتی نصرت که تحت امر قرارگاه کربلا بود اعزام نماید. متعاقب این دستور ۴ نفر از نیروهای اطلاعاتی لشکر به منطقه تبور واقع در ساحل شرقی هورالهوریزه عزیمت کردند. پس از گذراندن دوره آموزشی یک ماهه، نیروها بلافاصله به جزیره شمالی اعزام و مأموریت شناسایی آبراه‌های منطقه غربی هورالهوریزه را با نظارت مسئولین قرارگاه نصرت آغاز نمودند. پس از مشخص شدن خط حد لشکر ۱۷، به لشکر برگشته و ۶۰ نفر از نیروهای اطلاعات عملیات را برای شناسایی برگزیدند آنان ابتدا به چند دسته کوچک تقسیم و سازمان‌دهی شدند. سپس کار شناسایی آبراه‌های اصلی و فرعی منطقه را با استفاده از بلم آغاز نمودند. فاز اول شناسایی تا فاصله ۴۰۰ الی ۵۰۰ متری خطوط اول دشمن طی چندین روز و ساعت‌ها تلاش تقریباً بدون بروز حوادث ناگواری انجام شد. در فاز دوم، شناسایی کاملی از آبراه‌های مختار، جمل، علق و طور که به عنوان سه پل و راه‌کارهای مهم تلقی می‌شدند، صورت گرفت. در مجموع واحد اطلاعات لشکر در این منطقه حدود ۶۰ نوبت به شناسایی مواضع و استعداد دشمن در آبراه‌های منطقه پرداخت و کار شناسایی را با موفقیت به پایان رساند.<sup>(۸)</sup>

### سازمان‌دهی واحدها و گردان‌ها

یگان‌های پیاده سپاه از جمله لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> متناسب با هر نوع مأموریتی که

مسئله یعنی شکستن خط که موجب نگرانی بود، به وقوع پیوست. فقط نیروهای تیپ قمر بنی‌هاشم که مسیر را گم کرده بودند، نتوانستند در ساعت اول خط را بشکنند که در ساعت ۵۰ دقیقه نیمه شب خبر داده شد تیپ قمر بنی‌هاشم نیز خط را شکسته است. با شکسته شدن خط اول یگان‌ها خیلی سریع به سوی خط دوم پیشروی و آن را تصرف کردند.<sup>(۴)</sup> به طور کلی عملیات بدر پس از هشت روز جنگ و مقاومت با آزادسازی روستا و پاسگاه ترابه و کوک و نهروان و فجیره و نیز تصرف بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از اراضی هور و تصرف جاده خندق به طول ۱۳ کیلومتر و تثبیت موقعیت در ۶ کیلومتری جاده عماره-بصره به پایان رسید.<sup>(۵)</sup> لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> با ۸ گردان و ۲ گروهان مستقل در قالب ۳ تیپ تحت امر قرارگاه کربلا با هدف شکستن خط دشمن در ۴ کیلومتر محدوده خط فجر\* و تأمین جناح شمالی قرارگاه کربلا با هماهنگی قرارگاه نجف و تثبیت دشمن در محدوده واگذاری در عملیات شرکت کرد.<sup>(۶)</sup>

شکستن خط در عملیات بدر در مدت کوتاه و با تلفات کم به قدری سریع بود که صبح روز بعد جانشین قرارگاه کربلا برادر پاسدار عزیز جعفری در کنار رود دجله خطاب به فرمانده لشکر ۱۷ غلامرضا جعفری گفت: چه کسی فکر می‌کرد خط این طور شکسته شود. خدا می‌خواهد که ما پیروز شویم.

### دریافت مأموریت و شناسایی منطقه

لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب<sup>(ع)</sup> پس از شهادت سردار رشید اسلام، مهدی زین‌الدین، در آبان ۱۳۶۳ و منتفی شدن مأموریت لشکر در شمال غرب کشور به عنوان یکی از یگان‌های قرارگاه کربلا به منطقه خوزستان منتقل شد تا خود را برای عملیات آینده

\* خط فجر را با استفاده از سیل‌بند شرقی رودخانه دجله تعیین کرده بودند که به شکل یک خط سراسری به کلیه یگان‌های تحت امر قرارگاه کربلا و نجف از القرنه در جنوب تا الغدیر از شمال امتداد داشت.

دستگاه موتورسیکلت تریل ۱۲۵ با خورجین‌های آهنی وظیفه تأمین نیازهای ضروری نیروهای عملیاتی را بر عهده داشتند.<sup>(۹)</sup>

**سازمان رزم یگان<sup>(۱۰)</sup> آموزش**

متعاقب دستور فرماندهی لشکر مبنی بر آمادگی هر چه بیشتر برای عملیات، واحد آموزش نظامی کار برنامه‌ریزی شده را پیرامون آموزش نیروها به اجرا گذاشت که در جدول پیوست به عنوان آن پرداخته شده است. علاوه بر این مهم‌ترین مأموریت این واحد، اجرای برنامه آموزشی برای گردان ویژه حضرت رسول<sup>(ص)</sup> بود که مأموریت مهم خط‌شکنی لشکر را بر عهده داشت. نیروهای این گردان پس از گذراندن ۲ ماه آموزش‌های سنگین و طاقت‌فرسا در نقاط مختلف و تمرین‌های مداوم در حضور فرماندهان، آمادگی لازم را برای اجرای عملیات کسب نمودند. با نزدیک شدن عملیات و انتقال نیروها به منطقه عملیاتی، ضرورت مانور آموزشی از نظر فرماندهی بسیار با اهمیت بود. لذا در تاریخ ۱۸ اسفند ۱۳۶۳ در حضور فرمانده لشکر و در روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ در حضور جانشین فرمانده قرارگاه کربلا برادر عزیز جعفری مانور به نمایش در آمد. در این مانور از هر ۳ گروهان خط‌شکن (شهید رجایی، شهید باهنر، شهید بهشتی) یک دسته سوار شناور در حالی که پیشاپیش آن‌ها نیروهای نفوذی و غواص در آب شنا می‌کردند، آهسته آهسته خود را به مواضع فرضی دشمن نزدیک می‌کردند. آنان مطابق اصول و فنون آموخته، با بریدن سیم‌های خاردار و عبور از موانع مصنوعی خود را به زیر سیل‌بند رسانده و در یک تهاجم غافل‌گیرانه، سنگرهای فرضی دشمن را ساقط و نفرات آن را معدوم یا به اسارت در می‌آوردند. پس از پایان مانور در حالیکه فرماندهی لشکر رضایت خود را اعلان نمود، تذکرات لازم را به مسئولین گردان‌ها و گروهان‌ها گوشزد نمودند.<sup>(۱۱)</sup>

به آنها واگذار می‌شد، اقدام به سازماندهی نیروهای تحت امر می‌نمودند. وجود انعطاف در امر سازماندهی و ابتکار و خلاقیت فرماندهان و مسئولین لشکر، زمینه‌هایی را فراهم می‌کرد تا یگان را برای قبول و اجرای مأموریت‌های خطیر آماده نماید. یکی از مهم‌ترین نکات در امر سازمان‌دهی مسئله جایگزینی است. چرا که در هر عملیاتی خواه ناخواه تلفات و ضایعاتی به یگان وارد می‌شد که عملیات بعدی باید جایگزین و جبران می‌شد. برای رفع این مشکل در سال‌های گذشته دو کادری گردان‌های رزمی و گاهی جا به جایی مسئولان بین واحدهای لشکر و سپاه منطقه یک و نواحی پشتیبانی کننده در دستور کار قرار گرفته بود. لشکر ۱۷ در عملیات خیبر بیش از ۱۰ نفر از بهترین و مجرب‌ترین فرماندهان خود را، از جانشین لشکر گرفته تا فرماندهان گردان و مسئولان واحد را از دست داده بود. علاوه بر این در اواخر آبان ۱۳۶۳ فرمانده شجاع و شایسته خود، مهدی زین‌الدین را نیز تقدیم انقلاب اسلامی کرده بود. این ضایعات برای لشکر سنگین بود و مضاف بر این جدا شدن نیروهای استان زنجان و بخشی از نیروهای قزوین موجب کاهش توان رزم لشکر شد. با تمام این مشکلات، مسئولان لشکر در امر سازماندهی دست به ابتکارات ویژه‌ای زدند که عبارتند از:

الف) سازمان‌دهی گردان مستقل حضرت رسول<sup>(ص)</sup>: این گردان با سازمان مستقل و آموزش دیده تحت هدایت و کنترل مستقیم فرمانده لشکر برای شکستن خط دشمن ایجاد شد.

ب) سازمان‌دهی گردان دریایی: یگان دریایی لشکر در خرداد ماه ۶۳ با ۳۰ نفر کادر تشکیل و با ۸۲۰ نفر پاسدار و ۳۰ نفر بسیجی و تعدادی پاسدار وظیفه، مأموریت نقل و انتقالات لشکر را در عملیات بر عهده داشتند.

گروهان ویژه موتورسوار ذوالجناح: در عملیات بدر برای اولین بار گروه موتورسوار تشکیل و با ۱۰

لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> در عملیات بدر

### سازمان گردان‌ها

تعداد نفرات	استعداد	جانشین	فرمانده	نام گردان	جانشین	فرمانده	محور
۳۹۵	۳ گروهان	بهرام شینخی	مرتضی آهنگران	گردان روح الله	جواد عابدی	عبدالله عراقی	تیپ یکم (محور یکم)
۳۲۰	۳ گروهان	اکبر غلامپور	مصطفی کلهری	گردان سیدالشهداء			
۳۱۸	۳ گروهان	احمد حیدری	احمد اللهیاری	گردان امام رضا <sup>(ع)</sup>			
۳۱۱	۳ گروهان	-	بشیر روشنی	گردان علی ابن ابیطالب <sup>(ع)</sup>	کاوه نبیری	محمود اخلاقی	تیپ دوم (محور دوم)
۳۱۰	۳ گروهان	ترحمی	مهدی مهدوی نژاد	گردان موسی بن جعفر <sup>(ع)</sup>			
۳۱۵ (احتیاط)	۳ گروهان	-	علی معروفخانی	گردان کربلا			
	۳ گروهان	حسین عروجی	محمد میرقیصری	گردان حضرت رسول (ص)			
-	-	-	مهدی ناصری	گردان ولی عصر <sup>(عج)</sup>	-	یوسف سجودی	تیپ سوم (محور سوم)
		-	مجید امینی	گروهان مستقل جندالله			
		سعید فرداد	اسماعیل نادری	گروهان مستقل امام حسین <sup>(ع)</sup>			

### فرمانده و مسئولان ستاد لشکر

جانشین	فرمانده	نام واحد	جانشین	فرمانده	نام واحد
محمدحسین آل اسحاق	اسماعیل صادقی	ستاد	احمد فتوحی	غلامرضا جعفری	فرمانده لشکر
محمود اصفهانی	محمد صدرپور	تدارکات	-	یحیی محمدی	عملیات
حسینعلی امینی	محر معلی رموک	مهندسی رزمی	-	محمد میرجانی	اطلاعات
احمد یارمحمدی	جواد صالحی	پرسنلی	-	مهدی صباغ	آموزش
-	علیرضا کربلایی	تبلیغات	محمود کیایی نژاد	محمدحسین شکارچی	تعاون
محمدباقر لکزایی	اکبر خردپیشه	یگان دریایی	علی عالمی	مجید آیینه	ادوات
علی مهتدی	غلامحسین مقدسی	تویخانه	-	رحمتالله نبی	زرهی
خانی	محمد رضا ملکی	تخریب	-	نقی خلفی	بهداری

سال دوازدهم □ شماره چهل و چهارم □ بهار ۱۳۹۲

نوع آموزش	مکان	مدت	عوامل شرکت کننده
قایقرانی-بلمرانی-شنا	اطراف شادگان	۲ ماه	گردان‌های عمل کننده
شنا-غواصی	تبریز-مشهد-قزوین	۲ ماه	گردان‌های عمل کننده
ادوات	انرژی اتمی	-	گردان‌های پیاده
سلاح-تخریب-قایقرانی-امداد بهداشت-مخابرات	سد دز	۱ ماه	گردان‌های پیاده
ش.م.ر-نقشه خوانی-قطب نما	اندیمشک پایگاه بدر	۲ ماه	گردان‌های پیاده
اجرای میدان تیر و رزمایش آبی-خاکی	سد دز اندیمشک انرژی اتمی	در طول آموزش	گردان‌های پیاده
تویخانه	طلایه	۴۵ روز	واحدهای تخصصی
دیدهبانی و هدایت آتش و قبضه	طلایه	۴۵ روز	واحدهای تخصصی
ادوات	جاده آبادان-اهواز	۴۵ روز	نیروهای ادوات
پدافند	انرژی اتمی-پادگان شهید صدوقی	۴۵ روز	عوامل پدافند
احداث خاکریز-پل سازی-سنگر سازی	-	۷۵ روز	گردان مهندسی
غواصی ویژه	انزلی	۴۵ روز	۳۰ نفر یگان غواصی
تخریب	اندیمشک	۲ ماه	۲۷ نفر یگان تخریب
سکنداری ویژه	سد دز	۲ ماه	۲۰۰ نفر عوامل یگان دریایی
تعمیر موتور قایق و نگهداری	پادگان سفینه النجاه ق نوح	۲ ماه	واحد پشتیبانی

### آماده‌سازی منطقه تجمع و استقرار واحدها و گردان‌ها در مواضع آماده شده

این پل عمود بر پد هشت و در آبراه خبیر و غدیر احداث گردید و نام مبارک علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> بر روی آن نهاده شد. همچنین در امتداد پل، تعدادی پد فرعی منشعب شد که از وصل کردن قطعات به یکدیگر ایجاد می‌شد. هدف از احداث این پل، علاوه بر ایجاد منطقه تجمع خارج از دید دشمن برای استقرار یگان‌های رزم و رها شدن نیروهای خط شکن، کم کردن فاصله نیروهای عمل کننده به مواضع دشمن در ساحل غربی هور بود. زیرا پیمودن فاصله ۱۳ کیلومتری بر روی آب، توان نیروها را تقلیل داده و زمان بیشتری را می‌طلبید. پس از آماده‌سازی منطقه تجمع و نزدیک شدن زمان عملیات، واحد تدارکات به منظور تسهیل در امر پشتیبانی سریع نیروها با احداث بنه‌های تدارکاتی در جزیره شمالی و بنه‌های شناور در آبراه‌ها نسبت به

مسئولین لشکر تدابیری را برای آماده‌سازی منطقه تجمع اتخاذ کردند که از سوی مهندسی لشکر به اجرا در آمد. واحد مهندسی رزمی لشکر، برای آماده‌سازی منطقه تجمع، دست به دو اقدام متفاوت زد. یک اقدام در خشکی بود که با نصب تعدادی سنگر سوله‌ای بر روی پد هشت جزیره شمالی و احداث تأسیسات، خاکریز، جاده، سنگر و سوله‌های تدارکاتی و اجتماعی در منطقه مرکزی جزیره شمالی، امکان استقرار حمام، آشپزخانه، بنه تدارکاتی، اورژانس و بهداشتی و واحدهای مختلف را فراهم نمود. اقدام دیگر مهندسی احداث ۳ کیلومتر پل شناور بر روی هور بود که با اتصال قطعاتی به طول ۲/۵ و عرض ۱ متر به یکدیگر صورت پذیرفت.

و با توجه به استعداد رزمی و پشتیبانی و گزارش‌های تیم‌های شناسایی فرمانده لشکر با هم‌فکری مسئولین اطلاعات طرح و عملیات ستاد فرماندهان محورها و گردان‌ها طرح مانوری را با عنوان طرح عملیاتی ذوالفقار طراحی و برنامه‌ریزی کردند. در این طرح که به شماره ۱۰۲۴-ط ۱۷ مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۶۳ به رده‌های تحت امر ابلاغ شد، مأموریت لشکر به سه بخش تقسیم می‌شد:

در بخش اول مأموریت شکستن خط به گردان حضرت رسول<sup>(ص)</sup> واگذار شد که مستقیماً با هدایت و کنترل فرماندهی لشکر عمل می‌کرد و مقرر شد طبق برنامه زمان‌بندی شده گروهان‌های این گردان (شهید رجایی، شهید بهشتی و شهید باهنر) ساعت ۱۵:۳۰ روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ به ترتیب از خط تماس آبراه‌های جمل ۳، مختار و طور رها شده و ضمن عبور از موانع و رخنه در مواضع دشمن درگیری را شروع و با تصرف سنگرهای خط اول راه را برای عبور آسان گردان‌های موج دوم و استقرار آنان بر روی سیل‌بند مهیا سازد.

در بخش دوم مأموریت، پاکسازی سیل‌بند اول و پیش‌روی به سوی سیل‌بند دوم و پاکسازی آن از عناصر دشمن به تیپ یکم واگذار شد. این تیپ مأموریت داشت تا با به کارگیری گردان‌های سیدالشهداء<sup>(ع)</sup>، روح‌الله و امام رضا<sup>(ع)</sup> با عبور از آبراه‌های نینوا یا مختار و جمل ۲ و طور با استفاده از سر پل به دست آمده، ضمن پاکسازی سنگرهای دشمن در محدوده‌ای به وسعت ۴ کیلومتر بر روی سیل‌بند دوم گسترش یافته و در ادامه با گردش به راست بر روی سیل‌بند و جاده النهر (خط ذوالفقار) پدافند نمایند.

بخش سوم مأموریت شامل پاکسازی و پیش‌روی به سوی دجله (تأمین خط فجر) می‌شد که به تیپ دوم واگذار شد. این تیپ با به کارگیری گردان‌های علی‌ابن‌ابی‌طالب<sup>(ع)</sup> و کربلا و موسی‌ابن‌جعفر<sup>(ع)</sup> تلاش می‌کرد تا ضمن پاکسازی مواضع متفرقه با عبور از جاده و کانال خود را به ساحل دجله رسانده و خط پدافندی

ذخیره‌سازی مهمات و آذوقه به مقدار کافی اقدام نمود. بخشی از یگان دریایی در آماده‌سازی منطقه تجمع به خصوص نصب پل به کمک برادران مهندسی شتافتند. واحد بهداری لشکر نیز تمامی استعداد خود شامل گروه بهداشت، پشتیبانی، گروهان ش.م.ر، گروهان ویژه امداد و انتقال را به مرکز تجمع منتقل نمود و با احداث اورژانس و تعدادی پست امداد در نقاط مختلف منطقه عملیاتی آماده‌ی مداوا و امدادسانی به نیروهای لشکر در عملیات شد. گردان پدافند هوایی نیز با اعزام و استقرار آتشبارهای خود، پوشش هوایی منطقه تجمع و منطقه عملیاتی لشکر را به عهده گرفت. واحد توپ‌خانه تعدادی از قبضه‌های خود را از منطقه طلائی به منطقه عملیاتی بدر منتقل کرد و به همراه دیگر قبضه‌هایی که از قبل در جزیره شمالی داشت، آماده‌ی پشتیبانی از نیروهای عمل‌کننده در عملیات شد. گردان ادوات هم با استقرار ۲ قبضه مینی کاتیوشا بر روی پل‌های شناور و ۵ قبضه تیربارهای سنگین دوشکا بر روی قایق‌های عساکره در منطقه عملیاتی استقرار یافت تا رزمندگان لشکر را از نزدیک پشتیبانی نماید.<sup>(۱۲)</sup>

### طرح‌ریزی عملیات

در روزهای آغازین اسفند ۱۳۶۳ مأموریت لشکر در قالب طرح عملیاتی حیدر قرارگاه کربلا به شماره ۳۰۰/۱/۱۳/۳۰/۳۱ مورخ ۳ اسفند ۱۳۶۳ در سه مرحله به صورت کتبی ابلاغ گردید:

مرحله ۱: پس از اجرای عملیات نفوذی، تک نموده، خط فجر را در منطقه محوله تأمین نمایید، جناح شمالی قرارگاه کربلا را حفاظت نمایید و با قرارگاه نجف هماهنگی به عمل آورید.

مرحله ۲: بنا به دستور، تک را برای تأمین خط سبز\* در منطقه محوله ادامه دهید.

مرحله ۳: به تثبیت دشمن ادامه دهید. به دنبال مشخص شدن خط حد لشکر از رده بالاتر

\* خط سبز را با استفاده از سیل بند شرقی هورالعظیم در غرب رودخانه دجله تعیین کرده بودند.



و تلاش خستگی‌ناپذیر کار آماده نمودن گردان‌ها و واحدها را تعقیب و پیگیری می‌نمود. سرانجام با نزدیک شدن روز عملیات دستور انتقال نیروها را از عقبه (دارخوین) به محور عملیاتی صادر کرد.

فرماندهان گردان‌ها به دنبال وصول پیام، یک یک آماده اعزام به منطقه شدند. در فاز اول گردان حضرت رسول الله(ص) در ساعت ۱۲ نیمه شب ۱۶ اسفند ۱۳۶۳ با اتوبوس از دارخوین حرکت کرد و پس از ۵ ساعت در پد شماره ۸ جزیره شمالی استقرار یافت. سپس با استفاده از تاریکی سحرگاهی به سرعت به روی پل‌های شناور که توسط واحد مهندسی از قبل در آبراه‌های هور احداث شده بود منتقل شدند.

سه روز بعد در تاریخ ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ سه گردان محور دوم در مرحله اول در وضعیت مشابه وارد منطقه شدند. درحالی‌که دو گردان امام موسی‌ابن‌جعفر<sup>(ع)</sup> و کربلا در روز روشن وارد منطقه عملیاتی شدند. با پایان یافتن کار نقل و انتقال گردان‌ها، برادر جعفری ضمن فراخوانی همه‌ی مسئولین گردان‌ها و واحدها و کسب آخرین وضعیت آن‌ها زمان عملیات را ۲۰ اسفند ۱۳۶۳ ابلاغ کرد.<sup>(۱۵)</sup>

#### در آستانه عملیات

تشکیل دهند (تأمین خط فجر) و در فاز بعد چنان‌چه شرایط مساعد بود گردان کربلا بنا به دستور از رودخانه عبور کرده و در آن سوی دجله موضع پدافندی اتخاذ نماید.<sup>(۱۳)</sup>

#### توجیه مسئولین

با ابلاغ طرح عملیاتی ذوالفقار، فرمانده لشکر بر آن شد تا در فرصت باقیمانده (۱۵ اسفند ۱۳۶۳ تا ۱۹ اسفند ۱۳۶۳) فرماندهان و مسئولین واحدها و گردان‌ها را نسبت به جزئیات طرح توجیه نماید. این جلسات با تمام مسئولین واحدها و محورها و گردان‌ها برگزار و مأموریت‌ها یک‌بار دیگر مرور شد.

آخرین جلسه در روز ۱۹ اسفند ۱۳۶۳ قبل از حرکت نیروها برگزار شد و در آن آخرین هماهنگی‌ها برای زمان‌بندی حرکت گردان خط‌شکن و گردان‌های موج دوم صورت گرفت و افراد حاضر در جلسه پس از انجام آخرین هماهنگی و دریافت دستورات لازم به همراه نیروهای تحت امر خود آماده حرکت به سمت مواضع دشمن برای شروع عملیات شدند.<sup>(۱۴)</sup>

#### انتقال نیروها و ابلاغ زمان عملیات

فرماندهی لشکر که در تلاطم آمادگی یگان، لحظه‌ای آرام و قرار نداشت، با سرکشی‌های مداوم



از چپ غلامرضا جعفری، عزیز جعفری، نصرت‌الله کاشانی، میرجانی، شهیدعابدی، شهیدروحانی؛ در عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

یک فروند و برای فرماندهی گردان‌ها دو فروند، جمعاً ۲۳ فروند قایق برای عبور گردان‌ها از منتهی الیه جزیره مجنون شمالی در هورالهویزه (پل علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup>) تا سیل‌بند غربی هور (خط اول دشمن) در نظر گرفته شده بود. وقتی که گردان‌های موج اول آماده حرکت شدند عناصری از دیده‌بانان توپخانه برای درخواست آتش پشتیبانی و اطلاعات برای هدایت گردان‌ها تا مواضع دشمن و تخریب برای باز کردن معبر و پاکسازی موانع به آنها ملحق شدند. با فرمان فرماندهی، گردان‌ها بر مبنای طرح عملیاتی قایق‌ها به حرکت درآمدند. فاصله بین خط تماس خودی و دشمن حدود ۱۰ کیلومتر بود. پوشش گیاهی این فاصله در ابتدا نیزار و سپس بردی و بعد چولان بود و هر چه به منطقه دشمن نزدیک می‌گردید از این پوشش‌ها کاسته می‌شد، به طوری که در آب‌های ساحلی دشمن هیچ اثری از پوشش گیاهی نبود. در خط حد هر لشکری آبراه‌هایی برای عبور و مرور در نظر گرفته شده و برای هر آبراهی اسمی انتخاب کرده بودند. ابتدا گردان‌های روح الله و سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و گروهان یکم گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> به حرکت درآمدند. به دنبال آن‌ها گردان‌های موسی ابن جعفر<sup>(ع)</sup> و کربلا نیز به راه افتادند. این گردان‌ها در فاصله زمانی ۱۷:۳۰ تا ۱۸:۳۰ در کنار نیزارهای آبراه جمل و غدیر اقدام به انجام فریضه نماز و صرف شام نمودند. فرمانده لشکر برای نظارت بهتر بر نحوه حرکت نیروها و نیز کنترل و هدایت عملیات به همراه مسئولین اطلاعات و عملیات، دو نفر پیک و دو نفر بیسیم‌چی سوار بر یک قایق موتوری ریچندر شده و پس از گذر از آبراه غدیر وارد آبراه جمل شده و در کنار یک سنگر شناور پهلو گرفتند. گردان‌های مستقر در کنار نیزارها با دستور فرماندهی لشکر و با خاموش کردن موتور قایق‌ها پاروزنان به حرکت خود ادامه داده و در ساعت ۱۹:۳۰ به نقطه‌رهایی در فاصله ۲ کیلومتری خط اول دشمن رسیدند. غواصان و نیروهای گروهان خط‌شکن با کمک غواصان اطلاعات و خط‌شکن‌ها در حال گذراندن موانع

ساعت ۹:۲۰ صبح اوضاع منطقه همانند روزهای قبل آرام ولی بی‌قرار به نظر می‌رسد. در شرایطی که در منطقه خودی یگان‌های رزمی در پوشش نیزارها بر روی پل‌های شناور مشغول آماده‌سازی خود می‌باشند، مسئولین واحدها و گردان‌ها در حال برآورد آخرین نیازها و رفع مشکلات و کمبودها هستند. از جبهه دشمن یک فروند بالگرد کمی بالاتر از آبراه انفاق به پرواز درآمده و مشغول شناسایی آبراه هجرت است و نیروهای پدافند طبق روال معمول به سوی او شلیک می‌کنند. آتش توپخانه دشمن نسبت به روز قبل کاهش محسوسی داشته است. به نحوی که منطقه را سکوتی سؤال برانگیز در بر گرفته بود.

ساعاتی بعد حوالی ظهر، هواپیماهای جنگی دشمن سکوت را در هم شکستند و جاده‌های منتهی به جزیره و اطراف بنه‌های تدارکاتی را بمباران کردند. لیکن این سلسله اقدامات در اندیشه فرماندهان عادی تلقی شده و آن‌ها را ناشی از حساسیت و یا احتمال هوشیاری دشمن نمی‌پنداشتند.

بعد از ظهر روز دوشنبه نوزدهم اسفند ۱۳۶۳ فرماندهان گردان خط‌شکن حضرت رسول<sup>(ص)</sup> دستور حرکت به طرف مواضع دشمن را دریافت کردند. سفارش اکید برادر محسن رضایی فرمانده وقت کل سپاه این بود که فرماندهان موظفند به هنگام حرکت نیروهای خط‌شکن، سوره مبارکه فتح را قرائت کرده و آنها را از زیر قرآن رد کنند که این عمل توسط جانشین فرماندهی لشکر انجام می‌گرفت. این نیروها با سرعت و ذوق و شوق خاصی سوار بر بلم‌ها شده و رأس ساعت ۱۵:۳۰ حرکت خود را به سمت مواضع دشمن آغاز کردند. پس از عزیمت گردان خط‌شکن، گردان‌های روح‌الله و سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و گروهان یکم گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> از محور یکم و گردان‌های موسی ابن جعفر<sup>(ع)</sup> و کربلا از محور دوم طبق برنامه زمان‌بندی و با همان حال و هوای گردان قبلی سوار بر قایق‌ها شدند. برای هر دسته دو فروند قایق، برای فرماندهی هر گروهان

جنوبی آبراه را بر عهده داشت به شهادت رسید. فرمانده گروهان هم مجروح شد و تعدادی از نیروهایش هم به شهادت رسیده یا زخمی شدند. با پیدایی این وضعیت سازمان گروهان از هم پاشید و خط دشمن در مقابل آبراه مختار شکسته نشد. با این حال فرمانده لشکر به کریمی دستور داد که به هر طریق ممکن نیروهایت را جمع‌آوری کرده و از طریق آبراه‌های دیگر به کمک گروهان‌های اول و دوم بفرست. خودت هم با مراقبت کامل به عقب بیا. در این حال گروهان‌های اول و دوم خود را به خشکی رسانده و سنگرهای اجتماعی

و تیربارهای دشمن را منهدم کردند. حدود نیم ساعت طول کشید تا خط دشمن شکسته و سنگرهای اجتماعی و تیربارهای دشمن بر روی سیل‌بند اول منهدم شود. وقتی نیروهای خط‌شکن سقوط مواضع دشمن را به فرماندهی اعلام کردند ابتدا فرماندهی لشکر، غلامرضا جعفری، تردید داشت که نیروها با این سرعت خط را شکسته و مواضع مربوط

سفارش اکید برادر محسن رضایی فرمانده کل سپاه این بود که فرماندهان موظفند به هنگام حرکت نیروهای خط‌شکن، سوره مبارکه فتح را قرائت کرده و آنها را از زیر قرآن رد کنند که این عمل توسط جانشین لشکر انجام گرفت.

به خودشان را تصرف کرده باشند. با اعلام مشخصات زمین منطقه فرمانده لشکر مطمئن شد که رزمندگان به اهداف خود دست یافته و قسمت‌هایی از خط اول دشمن سقوط کرده است. موضوع شکستن خط در این عملیات به قدری مهم بود که توجه فرماندهان لشکرها و حتی قرارگاه‌ها را تا حد زیادی به خود معطوف کرده بود. اهمیت شکستن خط در عملیات بدر در مدت کوتاه و با تلفات کم به قدری زیاد بود که صبح روز بعد جانشین قرارگاه کربلا برادر پاسدار عزیز جعفری در کنار رود دجله خطاب به فرمانده لشکر ۱۷ غلامرضا جعفری گفت: چه کسی فکر می‌کرد خط این‌طور شکسته شود. خدا می‌خواهد که ما پیروز شویم.<sup>(۱۶) (۱۷)</sup>

و نزدیک شدن به خط اول دشمن بودند که فرمانده لشکر در ساعت ۲۲ برای اولین بار توسط بیسیم با فرمانده گردان تماس گرفت و وضعیت گروهان یکم را جویا شد. فرمانده گروهان برادر میرقیصری در حالی که فاصله زیادی با سنگرهای خط اول دشمن نداشت به آرامی وضعیت خودش و نیروهایش را رضایت‌بخش توصیف کرد. پس از این تماس فرمانده لشکر غلامرضا جعفری از طریق تماس بیسیمی آمادگی سایر گردان‌ها را نیز خواستار شد. در همین حال ناگهان اوضاع منطقه دگرگون شد و آرامش و سکوت شبانه جای خود را به شلیک ناگهانی و یکپارچه تیربارهای دشمن داد و فضای تاریک منطقه به واسطه منوره‌های شلیک شده از سوی دشمن روشن شد. دشمن متوجه تحرکاتی در ورودی یکی از آبراه‌ها شده بود. حدود ۲۰ دقیقه این آتشباری ادامه یافت. با فروکش کردن آتش معلوم شد که دشمن افرادی از نیروهای ما را دیده و تصور کرده که نیروهای گشتی شناسایی هستند. آن‌گاه با زیر آتش گرفتن منطقه مطمئن شد که آن‌ها را کشته یا فراری داده است. با برطرف شدن این مشکل نیروها به آرامی به پیشروی خود ادامه داده و خود را به سیل‌بند اول که سنگرهای دشمن بر روی آن قرار داشت چسبانند. با اعلام رمز عملیات و شروع درگیری در حدود ساعت ۲۳ گروهان‌های اول و دوم خط‌شکن وارد عمل شدند. بلم‌ها را پشت سیم خاردارها رها کرده و داخل آب پریدند و با اتکا به خداوند متعال و به لحاظ اینکه آماده شهادت بودند هرچه در توان داشتند به کار گرفتند و با شنا کردن و حرکت به سمت مواضع دشمن ضمن عبور از موانع با استفاده از تمام سلاح‌های موجود اعم از تیربار، آرپی‌جی و کلاشینکف به سمت دشمن تیراندازی می‌کردند.

اما گروهان سوم به دلیل پوشش آبراه مختار که با فاصله زیادی از دشمن تمام می‌شد در دید و تیر دشمن قرار گرفته و با آتشباری دشمن در همان لحظات اولیه برادر غلامحسین عسگری که هدایت نیروها در سمت



جمعی از نیروهای لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> در منطقه عملیاتی؛ عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

اول رسیدند. نیروهای گروهان دوم به فرماندهی برادر فتح‌الله ذاکری گرفتار کمین جمل ۲ و گشتی‌های دشمن که هوشیار شده بودند شده و قایق‌هایشان مورد اصابت گلوله‌های دشمن قرار گرفت به طوری که سازمان گروهان از هم پاشید. عده‌ای از نیروها شهید و مجروح شده و تعدادی هم بر روی آب سرگردان مانده و روز بعد به سیل‌بند دشمن رسیدند.

نیروها به پیشروی بر روی جاده آسفالت دشمن که به خط اول منتهی می‌شد، ادامه داده و با مختصر درگیری از طریق این جاده به یک پارک موتوری نیروهای عراقی رسیده و مشغول انهدام خودروهای مستقر در آن شدند.

هم‌زمان باشکسته شدن خط توسط نیروهای گردان حضرت رسول<sup>(ص)</sup>، رزمندگان گروهان یکم از گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> از طریق آبراه طور در منتهی الیه سمت چپ خط حد لشکر وارد عمل شده و بر روی سیل‌بند اول با عناصر باقیمانده دشمن درگیر شدند. این نیروها موفق گردیدند ضمن پاکسازی سیل‌بند اول، با تیپ ۴۴ قمربنی‌هاشم<sup>(ع)</sup> که در جناح چپ لشکر وارد عمل شده بود الحاق نمایند. پس از گسترش گردان‌های روح‌الله و سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و امام رضا<sup>(ع)</sup> بر روی سیل‌بند دشمن

### پاکسازی گسترش و الحاق با یگان‌های همجوار

با گذشت ۴۰ دقیقه از درگیری‌ها، فرمانده لشکر غلامرضا جعفری به فرمانده محور یکم عبدالله عراقی دستور داد به سرعت گردان روح‌الله به فرماندهی مرتضی آهنگران برای پاکسازی خط اول دشمن به سمت اهداف از پیش تعیین شده پیشروی نماید. در همین حین فرمانده گردان حضرت رسول<sup>(ص)</sup> سید محمد میرقیصری با فرمانده لشکر تماس گرفت و اظهار داشت لشکر همجوار ما با مشکل مواجه شده و موفق به الحاق به ما نشده است. فرمانده لشکر که می‌دانست تسامح در رفع مشکل وضع را بحرانی‌تر خواهد کرد فوراً به فرمانده گردان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> مصطفی کلهری دستور داد تا به کمک گردان‌های حضرت رسول<sup>(ص)</sup> و روح‌الله بشتابد. سپس طی تماس با فرمانده گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> به فرماندهی احمد الله‌یاری از وی خواست تا مطابق طرح مانور به سوی سیل‌بند دشمن حرکت کرده و ضمن پاکسازی سنگرهای دشمن مبادرت به پیشروی تا جاده اول نموده و در آن‌جا خط پدافندی مطمئنی تشکیل دهد.

ساعت حدود ۱۲ شب یکی از گروهان‌های گردان روح‌الله به قسمت شرقی پد دشمن بر روی سیل‌بند



و ماهدوی نژاد وارد عمل شدند تا عملیات در عمق را با هدف رسیدن به رود دجله و تشکیل خط پدافندی فجر ادامه دهند.<sup>(۱۸)</sup>

### روز اول (۲۰ ادریبهشت ۱۳۶۳)

صبح روز اول عملیات حجه الاسلام بشر دوست فرمانده قرارگاه کربلا در تماسی با فرمانده لشکر ۱۷ برادر غلامرضا جعفری بر ادامه پیشروی هر چه سریع‌تر نیروها به سمت اهداف از پیش تعیین شده تأکید کرد. فرمانده لشکر نیز بلافاصله در ساعت ۰۶:۰۵ بامداد طی تماسی با فرمانده محور دوم، برادر محمود اخلاقی دستور داد با اعزام سریع گردان‌های موسی بن جعفر<sup>(۱۹)</sup> و کربلا و گسترش آنها در منطقه، زمینه الحاق با تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم<sup>(۲۰)</sup> را فراهم سازد و تأکید می‌کند که تماس بعدی شما باید ساعت ۸ صبح از روستای النهیر در کنار رود دجله باشد. فرمانده گردان موسی بن جعفر<sup>(۲۱)</sup> می‌گوید: «فرمانده لشکر ضمن دستور به مسئول محور دوم، مجدداً با من و فرمانده گردان کربلا تماس گرفت و از ما خواست که حرکت در عمق را برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده ادامه دهیم. به ایشان گفتم نیروهایم شهید و مجروح و پراکنده شده‌اند. وی تأکید کرد هر طور شده باید خود را به سیل‌بند لب دجله برسانید. لذا نیروهای خود را جمع‌آوری و مجدداً سازماندهی کردم. یکی از گروهان‌ها را به فرماندهی علی رضایی جلو فرستاده و به دو گروهان دیگر دستور دادم تا با آتش خود آنها را پشتیبانی نمایند. علی رضایی نیز در مانور گروهانی که برای نیروهایش طراحی کرده بود دو دسته را برای پیشروی به سوی دجله در نظر گرفت و یکی از دسته‌هایش را مأمور کرد تا به مقر عراقی‌هایی که بر سر نیروها آتش می‌ریختند حمله برده و ضمن انهدام آنها به سمت دجله حرکت کند. هنگامی که این نیروها به مقر عراقی‌ها حمله کردند تعدادی از نیروهای گردان سیدالشهدا<sup>(۲۲)</sup> که از آتشباری نیروهای عراقی به خشم آمده بودند به طور خودجوش به این مقر حمله کرده و به اتفاق این دسته عراقی‌ها

و پاکسازی آن، فرماندهی لشکر برادر غلامرضا جعفری متوجه شد که نیروهای گردان روح الله به دلیل ناامن بودن جناح چپ از پیشروی در عمق باز مانده‌اند. لذا مشغول پی‌گیری اوضاع شد و ضمن تأکید به فرمانده گردان روح الله، از وی می‌خواست که به سمت اهداف خود بر روی جاده پیش روی نماید. در ساعت ۲:۴۵ بامداد در حالی که عملیات شدت بیشتری گرفته بود بر احساس نگرانی فرماندهی از مشکل عدم الحاق در جناحین افزوده می‌شد. وی ضمن تماس‌های مکرر، به فرمانده گردان روح الله، مرتضی آهنگران، تأکید کرد که مأموریت گردان روی سیل‌بند خط اول نیست و باید به عمق برود. با تأکیدات صورت گرفته نیروهای این گردان با دمیدن فجر صبحگاهی بر روی سیل‌بند دوم دشمن با یکدیگر هماهنگ شده و حرکت خود را از طریق جاده به طرف دجله ادامه دادند و با رسیدن به رودخانه دجله در حاشیه جاده آسفالت و سیل‌بند شرقی رود، پدافند نمودند. گردان سیدالشهدا<sup>(۲۳)</sup> نیز هم‌زمان با توسعه رخنه و پاکسازی خط اول دشمن، با به کارگیری گروهان سوم خود، عملیات در عمق را شروع کرده و خط دوم دشمن را از رو به رو و از جناح راست مورد حمله قرار داد و دشمن را وادار به شکست و عقب نشینی نمود و به این ترتیب خط دوم هم سقوط کرد و رزمندگان گردان پس از دو ساعت و نیم رزم بی‌امان در ساعت ۴:۳۰ بامداد به اهداف تعیین شده برای گردان رسیده و به اعمال تحکیم و تثبیت و هدف برداختند. گردان سیدالشهدا<sup>(۲۴)</sup> می‌باید در سیل‌بند دوم از جناح راست با گردان روح الله و از جناح چپ با تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم<sup>(۲۵)</sup> الحاق می‌نمود. الحاق با گردان روح‌الله در همان لحظات اولیه به راحتی انجام شد و پس از مدت زمان کوتاهی الحاق با تیپ ۴۴ قمر بنی‌هاشم<sup>(۲۶)</sup> در خط دوم هم صورت پذیرفت. با الحاق نیروها در خط دوم زمینه برای ادامه عملیات فراهم آمد. با فراهم شدن زمینه ادامه عملیات، گردان‌های کربلا به فرماندهی علی معروف‌خانی و موسی بن جعفر<sup>(۲۷)</sup> به فرماندهی مهدی

گذشته و عدم تحرک جدی از سوی دشمن که ناشی از تحلیل قوا و توان او بود، مقرر شد رزمندگان لشکر به منظور تحکیم و تثبیت خط پدافندی، یک حمله ایذایی تدارک ببینند تا ضمن به هم ریختگی بیشتر آرایش و سازمان رزم دشمن، تأمین مناسبی را برای خط حد لشکر فراهم سازند. به همین منظور براساس طرح تنظیمی مقرر شد لشکر ۱۷ حمله برق آسایی را در مقابل خط النهر به منظور انهدام نفرات و تجهیزات عراقی‌ها و نزدیک‌تر کردن خط خودی به مواضع دشمن انجام داده و با بهره‌گیری از تجهیزات مهندسی (یک دستگاه لودر و یک دستگاه کانال کن) خط تأمینی دیگری را به موازات کانال صفین برای جلوگیری از پانک دشمن احداث نماید. در همین راستا، فرماندهی پس از برآورد آخرین وضعیت، گردان‌های سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و روح‌الله و گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> را برای انجام این تک ایذایی در نظر گرفت. همچنین مقرر شد واحد تخریب لشکر با پشتیبانی گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> پل روی نهر عمود بر کانال صفین را که خودروهایی دشمن از روی آن عبور کرده و خود را به خط مقدم می‌رساندند منهدم نماید. با فرارسیدن تاریکی شبانه نیروهای گردان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> به ستون یک به طرف خط ذوالفقار حرکت کرده و در آن استقرار یافتند تا در عملیاتی که برایشان طرح‌ریزی شده بود شرکت کنند. در حالی که زمان چندانی به نیمه‌های شب باقی نمانده بود نیروها تک خود را آغاز کردند. گردان‌های سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و روح‌الله در یک هجوم سراسری و برق‌آسا موفق شدند ضمن رخنه به مواضع دشمن، تلفاتی را بر نیروی انسانی دشمن وارد نمایند. در این فرآیند آنان ۲۵ تانک را منهدم کردند و به سرعت به مواضع قبلی خود بازگشتند. تنها حادثه غیرمترقبه، شهید و مجروح شدن تعدادی از نیروهای گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> بود که به دلیل نبود اطلاع‌رسانی و شناسایی نکردن سنگر کمین دشمن، مورد تهاجم غافل‌گیرانه نیروهای آنان قرار گرفتند. در مجموع لشکر ۱۷ توانست به جز انهدام نکردن پل، به اهداف

را به هلاکت رسانده یا فراری دادند. برادران گردان‌های کربلا و سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> نیز با آتش پشتیبانی خود، این نیروها را حمایت کردند. با سقوط این مقرر که به سرعت انجام شد گردان‌های کربلا و موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> با سرعت هر چه تمام‌تر خود را به سیل‌بند شرقی رود دجله و روستای النهر در کنار این رود رساندند.

### روز دوم (۲۱ اسفند ۱۳۶۳)

برادر جواد عابدی که پس از مجروحیت برادر عراقی مسئولیت محور یکم را عهده‌دار شده بود طی تماس‌های مکرر با فرماندهی لشکر و اعلام نگرانی از مشکل الحاق نشدن یگان عمل‌کننده در جناح راست لشکر و در نتیجه تهدید از این جناح خواستار تقویت این محور شد. از سویی، مسئولین قرارگاه هم‌نگران این موضوع بودند و مصمم شدند تا با اجرای عملیاتی، خطر را دفع نمایند. لذا با هماهنگی فرماندهان لشکرهای ۱۷ و ۷ مقرر شد، ۲ گروهان از لشکر ۱۷ وارد عمل گشته و الحاق بین دو لشکر را تأمین نمایند. بدین

برادر فتوحی جانشین لشکر می‌گوید: براساس اسنادی که بعدها از عراقی‌ها به دستمان رسید حدود هزار دستگاه تانک و نفر بر از سپاهای سوم و چهارم عراق به منطقه‌ی عملیاتی بدر حمله کرده بودند.

ترتیب گروهان‌ها در تاریکی شب با پشتیبانی آتش توپ‌خانه تک خود را بر علیه مواضع نیروهای عراقی آغاز کرده و موفق شدند با انهدام بخشی از تجهیزات آن‌ها، دشمن را وادار به عقب‌نشینی کنند. با گسترش نیروهای لشکر در این جناح، موضع پدافندی ضعیفی بر روی جاده منتهی به روستای النهر که در جناح راست خط حد قرارگاه کربلا و در جهت شرقی غربی بود تشکیل شد و بدین ترتیب خط ذوالفقار که به خط النهر هم معروف شد به وجود آمد. ضمن این‌که الحاق کامل با لشکر ۷ ولی عصر<sup>(عج)</sup> حاصل شد.

### روز سوم (۲۲ اسفند ۱۳۶۳)

پس از موفقیت نیروهای خودی طی دو شب

شمال شرقی و میانی خط صفین مستقر شدند. نیمی از نیروهای گردان جایگزین گردان روح‌الله در محدوده میانی خط شدند و مابقی نیروها هم در قسمت شمال شرقی خط صفین مستقر شدند. اهمیت این قسمت از خط به این علت بود که اگر سقوط می‌کرد اکثر یگان‌هایی که در منطقه درگیری بودند به محاصره نیروهای عراقی در می‌آمدند. نیروهای گردان این موضوع را به خوبی درک کرده و می‌دانستند که با سقوط این خط اتفاقات ناگواری خواهد افتاد. لذا آماده دفاع از محدوده استقرار خود شدند. پس از گذشت یکی، دو ساعت از روز مشخص شد که دشمن با استفاده از یگان‌های زرهی قصد تهاجم به مواضع رزمندگان را دارد. تانک‌ها با جا به جایی‌های مکرر و گرفتن آرایش‌های متفاوت آشکارا قصد خود را عیان می‌ساختند. ساعت به ساعت بر تعداد تانک‌ها افزوده می‌شد. شواهد و قراین حاکمی از این بود که دشمن بعد از ظهر امروز یا صبح فردا قصد تهاجم به مواضع رزمندگان اسلام را دارد. تعداد تانک‌ها و نفربرها به حدی زیاد شد که در عرض ۳/۵ تا ۴ کیلومتر از منطقه، ۴ تا ۵ ردیف تانک با فاصله نزدیک به ۵۰ متر از یکدیگر به صورت زیگزاگ مستقر شده بودند. ادوات زرهی دشمن را بیشتر تانک‌های T-۷۲ تشکیل می‌داد که از بهترین نوع تانک‌های بلوک شرق و پیشرفته‌ترین تانک شوروی سابق به حساب می‌آمد. سرانجام تانک‌ها و نفربرها درحالی که نیروهای پیاده را در پناه خود داشتند پاتک خود را در حدود ساعت ۱۳ روز پنجم با پشتیبانی حجم سنگین آتش توپخانه، موشک، بالگرد و هواپیما شروع کردند. دشمن سرا پا مسلح، ابتدا بیشترین تلاش خود را در قسمت شمال غربی خط صفین و بر روی مواضع گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> در نزدیکی رود دجله متمرکز نمود و این در حالی بود که تعداد زیادی از نیروهای داوطلب گردان روح‌الله که روز قبل به عقب رفته بودند پس از سازمان‌دهی مجدد و استماع سخن‌رانی اسماعیل صادقی فرمانده ستاد مبنی

خود دست‌رسی پیدا کرده و خاکریز بریده بریده‌ای به صورت ناقص در حاشیه کانال صفین (حدود ۲ کیلومتر جلوتر از خط ذوالفقار که به خط النهر معروف بود) احداث کند و نیروهای لشکر را برای پدافند مطمئن‌تر در مقابل دشمن به آن‌جا منتقل نماید. خط ذوالفقار که در طراحی اولیه منطبق بر جاده النهر بود با دو کیلومتر پیشروی به کناره جنوبی کانال صفین انتقال یافت.

### روز چهارم (۲۳ اسفند ۱۳۶۳)

در این روز روند عملیات از سوی گردان روح‌الله ادامه پیدا کرد. نیروهای این گردان به نبرد شدید با نیروهای عراقی که وارد محدوده استقرار آن‌ها می‌شدند پرداخته و ضمن وارد کردن تلفات زیادی به آن‌ها مواضع خود را تثبیت کردند. گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> هم در محدوده شمال غربی خط صفین و نزدیک به رود دجله مستقر و گردان‌های سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و عناصری از گردان حضرت رسول<sup>(ص)</sup> هم در قسمت میانی خط مستقر شدند.

در این روز گردان علی‌ابن‌طالب<sup>(ع)</sup> از حاشیه جاده ساحلی هور به طرف منطقه مورد نظر حرکت نمود و پس از حدود ۴ کیلومتر پیاده روی به منطقه مأموریتی خود رسید و پشت خاکریز خط النهر مستقر شد. در این روز گردان ولیعصر<sup>(ع)</sup> به فرماندهی مهدی ناصری که در جفیر مستقر بود نیز به منطقه عملیاتی وارد شدند.

### روز پنجم (۲۴ اسفند ۱۳۶۳)

با نزدیک شدن سحر، صدای غرش تانک‌های دشمن که در آن سوی دجله در حال تردد و جا به جایی بودند توجه نیروها را به خود جلب کرد. رزمندگان لشکر ۱۷ با مشاهده وضع فوق‌نسبت به کسب آمادگی جبهه خودی اهتمام بیشتری ورزیده و با دقت تحرکات دشمن را زیر نظر گرفتند.

در این وضعیت نیروهای گردان علی‌ابن‌طالب<sup>(ع)</sup> بنا به دستور یک گام به جلو برداشته و در قسمت‌های

علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup>\* در مقابل دشمن تا دندان مسلح موضع گرفته و با پایمردی و رشادت نیروهای فداکار، در برابر حملات تانک‌ها و نیروهای عراقی مقاومت می‌کردند. دشمن پس از ریختن آتش توپخانه بر روی مواضع گردان علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup> و کوتاه کردن ارتفاع خاکریز توسط آتش تانک‌ها، یورش خود را آغاز کرد. تانک‌ها در حالی که در چند ردیف آرایش گرفته بودند به همراه نیروهای پیاده و هدایت بالگردهای فرماندهی در بالای سر، حرکت به سمت خاکریز را ادامه دادند. لکن وقتی به نزدیکی‌های خاکریز رسیدند با مقاومت شدید رزمندگان گردان روبرو شدند. درگیری بسیار شدید شد. تانک‌ها به کانال صفین رسیده و با لوله‌های خود از بالای خاکریز شلیک می‌کردند. حتی دو دستگاه نفربر پی.ام.پی دشمن از خاکریز عبور کردند که بلافاصله توسط رزمندگان اسلام منهدم شدند. با ادامه‌ی نبرد و مقاومت جانانه دلیر مردان گردان علی ابن ابی طالب<sup>(ع)</sup>، تانک‌ها و نیروهای دشمن مجبور به عقب‌نشینی شده و پس از آرایش مجدد حملات خود را آغاز می‌کردند. این جنگ و گریز تا نزدیکی‌های غروب آفتاب ادامه پیدا کرد و سرانجام با فرا رسیدن تاریکی تانک‌های دشمن عقب‌نشینی کرده و به مواضع قبلی خود بازگشتند.

هم‌زمان تانک‌های دشمن تمامی مواضع رزمندگان لشکر را در طول خط صفین هدف تهاجم سنگین و بی‌امان قرار دادند. در منطقه میانی خط صفین هم رزمندگان گردان‌های روح‌الله و حضرت رسول<sup>(ص)</sup> دوش به دوش رزمندگان گردان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> به دفاع جانانه در مقابل دشمن پرداختند. بچه‌های گردان حضرت رسول<sup>(ص)</sup> که با ایمان و رشادت، در شب اول عملیات خط دشمن را شکسته بودند در مقابل حملات تانک‌ها به خط ذوالفقار نیز جوانمردانه جنگیدند. به طور کلی از جان گذشتگی نیروها و رغبت و تلاش آنان در عقب

بر نیاز به نیرو در خط مقدم، مجدداً به پشت خاکریز خط صفین رفته و آماده مقابله با پاتک دشمن شدند. خاکریزی که گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> پشت آن مستقر بود ناتمام مانده و نیروهای مهاجم با سنجش صحیح از این نقطه ضعف سعی نمودند با جناح‌گیری از آن، رخنه‌ای را در مواضع خودی ایجاد نمایند. از طرفی گردان در نبردهای چند روز گذشته متحمل تلفاتی شده و نیروی کافی برای پدافند از مواضعی که به طور تعجیلی اشغال کرده بود نداشت. فرمانده گردان نیز مجروح گشته و به عقب منتقل شده بود. با این حال نیروهای این گردان به مقابله با نیروها و تانک‌های دشمن پرداختند تا این‌که ماشین جنگی دشمن از نقاطی که آسیب‌پذیرتر بود خود را به مواضع رزمندگان رساند و نیروها را در پشت خاکریز مورد هدف تیربار قرار داد. از سوی دیگر حوادث خط مقدم که لحظه به لحظه توسط فرمانده محور یکم به رده بالاتر منعکس می‌شد، فرمانده لشکر را بر آن داشت تا بی‌درنگ با اتخاذ تدابیری مانع از سقوط خط شود. لذا از طریق بی‌سیم به فرمانده محور دوم محمود اخلاقی دستور داد تا باقی‌مانده گردان‌های زخم خورده کربلا و موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> را که در کنار روستای النهیر مستقر بودند به کمک گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> بفرستد. محمود اخلاقی می‌گوید: «متعاقب این دستور باقی‌مانده نیروهای گردان کربلا و موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup> را که حدود ۲۷۰ نفر می‌شدند به سمت مواضع گردان امام رضا<sup>(ع)</sup> روانه کردم. لکن به دلیل این‌که هیچ‌جان پناهی نداشته و باید برای رسیدن به دشمن و مقابله با او در دشت باز حرکت می‌کردند، تعداد زیادی از نیروها شهید و مجروح شدند. اما حضور به موقع و رزم و مقاومت چشم‌گیر این دو گردان باعث شد دشمن در تحقق اهداف خود ناکام مانده و از مواضع متصرفه عقب‌نشینی کند.»

تهاجم دشمن تمامی خط ذوالفقار (صفین) را در بر گرفته بود. در قسمت شمال شرقی خط صفین و نزدیک به منطقه میانی صحنه نبرد، رزمندگان گردان

\* نگارنده‌ی مقاله در مقام نیروی تکاور در گردان علی ابن ابی طالب شاهد لحظه به لحظه این مقاومت جانانه و نبرد تن به تن با تانک در مقابل دشمن بود.





— رزمندگان لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب در آستانه آغاز عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

همین منظور قبل از به ثمر رسیدن تحرکات عراق، جلسه‌ای متشکل از فرماندهان قرارگاه‌های خاتم، نجف و کربلا در جزیره مجنون شمالی تشکیل شد. در این جلسه تشکیل قرارگاه ظفر اعلام شد و لشکر علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> به همراه لشکر ولی عصر<sup>(عج)</sup> (این لشکر از روز سوم عملیات تحت امر قرارگاه کربلا در آمده بود) و تیپ المهدی و تیپ ۵۵ هوایر ارتش از قرارگاه کربلا جدا شده و زیر امر قرارگاه ظفر قرار گرفتند تا به همراه یگان‌های دیگر این قرارگاه در شب ششم تک را از خط صفین تا جاده خندق ادامه داده و این جاده را تصرف نمایند.

طرح کلی مانور قرارگاه ظفر در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۶۳ طی چند جلسه مشترک با حضور فرماندهان قرارگاه‌های خاتم، کربلا و نجف تهیه شد. در صفحه‌ی ۱۸۳ گزارش عملیاتی بدر به شماره سند ۶۲۵ مرکز اسناد دفاع مقدس یگان‌های تحت امر قرارگاه ظفر برای اجرای عملیات به این شرح معرفی شده‌اند: تیپ‌های المهدی، ویژه شهدا، ۵۵ هوایر و ۲۳ نوهده هر کدام به استعداد ۳ گردان، لشکرهای علی بن ابیطالب<sup>(ع)</sup> و ولی عصر<sup>(عج)</sup> به ترتیب با ۲ و ۳ گردان.

راندن دشمن به اندازه‌ای کارساز بود که نیروهای عراقی تعدادی از تانک‌ها و نفربرهای خود را در حالی که روشن بود جا گذاشته و فرار کردند. رزمندگان اسلام هم از فرصت استفاده کرده و با کسب تکلیف از فرماندهی آن‌ها را منهدم نمودند. هنوز ساعتی از فراغت نیروها پس از نبرد سنگین در روز جاری نگذشته بود که دشمن با سازمان‌دهی مجدد واحدهای زرهی و به پرواز در آوردن بالگردهای خود و نیز شلیک منوره‌های رنگی تظاهر به پاتک نمود. لیکن این سلسله اقدامات و تحرکات دشمن با توجه به زمان انجام آن به نظر مسئولین لشکر چیزی جز یک مانور به حساب نیامد. چون معتقد بودند که دشمن به هنگام شب مبادرت به انجام عملیات علیه نیروهای ما نخواهد کرد که همین طور هم شد.<sup>(۱۹)</sup>

### تغییر مأموریت لشکر ۱۷ و انتقال به قرارگاه ظفر به عنوان یگان احتیاط

آسیب‌پذیری خط صفین، تظاهر دشمن به پاتک و جایگزینی نیرو و تقویت منطقه عملیاتی از سوی دشمن باعث شد مسئولین قرارگاه کربلا و قرارگاه خاتم طرح تأمینی برای حفظ مواضع خود تهیه نمایند. به

تلاش خود را متوجه تصرف خط مذکور نموده و تا اندازه‌ای هم موفق به رخنه در آن شده بود، که به همت و مقاومت نیروها به عقب بازگردانده شد. اما احتمال بروز پاتک‌های مجدد دشمن از همین محور بسیار قوی بود. به ویژه این که فرماندهان لشکر ۱۷ و تی ۲۳ نوه‌د با توجه به آرایش دشمن، ضریب درصد حمله دشمن را بسیار بالا و قطعی بیان می‌داشتند. برادر رحیم صفوی پس از استماع گزارش فرماندهان یگان‌ها، از آن جهت که آسیب‌پذیری خط و حد سابق لشکر ۱۷ جدی‌تر تلقی می‌کرد، خطاب به سرهنگ صیادشیرازی (فرمانده وقت نزاجا) پیشنهاد کرد که از امشب حداقل یک گردان از تیپ ۵۵ هوآبرد به خط لشکر ۱۷ برود. لیکن این امر به دلیل مخاطره‌آمیز بودن و وارد آمدن تلفات نیروی انسانی و خدشه‌دار شدن آمادگی رزمی گردان مذکور پذیرفته نشد. دشمن با پشت سر گذاشتن روز پنجم که حوادث تلخ و ناگواری را برای نیروهای ما به همراه داشت توانست ضمن تحمیل تلفاتی بر نیروهای خودی، رخنه‌ای جدید در صفوف رزمندگان خط صفین ایجاد نماید که به همت رزمندگان لشکر تا حدودی ترمیم شد. تصرف مجدد فرو رفتگی دجله (کیسه‌ای) از سوی دشمن در محور لشکر عاشورا و اقدام به ایجاد رخنه در

خط و حد قرارگاه ظفر نیز از مقابل پل الصدیقیه\* به سمت شمال تا جاده خندق تعیین شد که بعد از رسیدن به جاده، ادامه‌ی مأموریت به طرف العزیر را قرارگاه نجف انجام می‌داد. بر اساس طرح عملیاتی قرار بود تیپ المهدی با ۳ گردان، ۲/۵ کیلومتر از دجله به سمت شرق را پاکسازی کرده و ضمن انفجار پل خندق پشت این جاده پدافند نماید. تیپ ویژه شهدا نیز با عبور از رود دجله در غرب این رود از نهر الهدامه تا نهر الصدیقه را تصرف و بر روی سیل‌بند هورالعظیم در غرب دجله پدافند نماید. مقرر شده بود تیپ ۵۵ هوآبرد هم از سیل‌بند اول به سمت غرب در حد فاصل تیپ المهدی، تا جاده خندق عمل کرده و در پشت جاده پدافند نماید. لشکر ۷ ولی عصر<sup>(عج)</sup> و لشکر ۱۷ علی ابن ابیطالب<sup>(ع)</sup> هم در احتیاط قرارگاه ظفر قرار داشتند. به طور کلی در این جلسات دو موضوع مهم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی تدبیر برای حفظ و نگهداری خط صفین و دوم طرح مانور شب ششم. نگهداری و تثبیت خط صفین اساساً از این جهت دارای اهمیت بود که دشمن در هر دوره از پاتک‌هایش عمده

\* این پل در مقابل روستای النهیر و بر روی نهری که از هورالحمار به رود دجله وصل می‌شد احداث شده بود و جاده ارتباطی بغداد - بصره از روی آن عبور می‌کرد.



شهید حسین الله‌داد راوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ در لشکر ۱۷ علی ابن ابی طالب و جمعی از راویان مرکز در عملیات بدر؛ اسفند ۱۳۶۳

حاکمی از تصمیم قطعی دشمن برای از بین بردن هر چه سریع‌تر خط ذوالفقار و پس از آن برچیدن بساط کامل نیروهای ایران در منطقه شرق دجله در روز ششم عملیات بود. در چنین وضعیتی نیروهای تیپ ۵۵ هوابرد ارتش و تیپ ۳۳ المهدی سپاه وارد منطقه شده و در غرب خط صفین به طرف رود دجله مستقر شدند. با استقرار این نیروها باقی‌مانده گردان‌های کربلا، موسی بن جعفر<sup>(ع)</sup>، امام رضا<sup>(ع)</sup> و گروهان امام حسین<sup>(ع)</sup> از لشکر علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup> به منطقه النهیر منتقل شده و پس از آن از طریق اسکله پد النهیر و پل ارتباطی منطقه عملیاتی با جزیره شمالی به عقب رفتند. تانک‌های دشمن قصد داشتند خاکریزی را که رزمندگان اسلام در پشت آن مستقر شده و در پناه آن از مواضع خود دفاع می‌کردند، با شلیک گلوله از بین ببرند. هم‌زمان، آتش پشتیبانی دشمن که از سوی توپخانه‌ها، هواپیماها، بالگردها و سکوها پرتاب موشک‌های تاکتیکی و کوتاه برد اجرا می‌شد تمامی عقبه‌هایی که رزمندگان در خط را پشتیبانی می‌کردند هدف گرفته بود. دشمن برای قطع کامل پشتیبانی‌ها، توانی چند برابر روز قبل را در اجرای آتش‌ها به کار گرفت. نیروها و تانک‌های دشمن پس از چند ساعت اجرای آتش پر حجم و سنگین و در حالی که ارتفاع خاکریز را تا حد زیادی کاهش داده بودند پاتک شدید خود را بر روی خط صفین آغاز کردند. ضمن این که با آتش و مانور خود یک‌دیگر را به شدت پشتیبانی می‌نمودند. سرانجام دشمن توانست رخنه‌ای به طول ۳۰۰ الی ۴۰۰ متر در این محور ایجاد نموده و موقعیت بسیار مثبتی را برای پیشروی گام به گام در مواضع نیروهای خود فراهم آورد. ضمن این که نیروهای مستقر در خط صفین را در پشت خاکریز مورد اصابت قرار می‌داد. با توجه به نفوذ دشمن بر روی سیل‌بند شرقی رود دجله و حد غربی خط صفین رزمندگان اسلام مجبور بودند بدون داشتن جان پناه با تانک‌های عراقی

پاتک اشاره شده است.»

خط صفین می‌رفت که موقعیت محور عملیاتی را برای پدافند متزلزل نماید. لذا با توجه به وضعیت پیش آمده آن‌چه بیشتر مورد توجه طراحان عملیاتی قرار گرفت، به کارگیری تمهیداتی به منظور تثبیت و حفظ وضع موجود بود. مطابق تصمیمات فرماندهان قرارگاه که در آخرین ساعات شب ششم اتخاذ شد، مقرر شد یگان‌های رزمی نسبت به ترمیم رخنه دشمن در خط صفین و پاکسازی منطقه از لوٹ نیروهای نفوذی دشمن تا اجرای کامل طرح اهتمام ورزند. در این راستا بنا شد برای کاهش آسیب‌پذیری لشکر ۱۷، تیپ‌های ۵۵ هوابرد ارتش و ۳۳ المهدی سپاه جایگزین شوند. نیروهای تخریب لشکر هم موظف شدند به منظور جلوگیری از تعرض احتمالی دشمن، در منطقه‌ای که رخنه ایجاد شده بود جلوتر از خاکریز را مین‌گذاری کنند. بدین ترتیب با جایگزینی نیروهای ارتش و تحویل خط از لشکر ۱۷ مأموریت این یگان تمام شده تلقی می‌شد.<sup>(۲۰)</sup>

### روز ششم (۲۵ اسفند ۱۳۶۳) جنگ تانک در خط صفین

سپیده دم روز ششم عملیات، هم‌زمان با روشن شدن هوا تانک‌های دشمن آتش پر حجم و دقیق خود را بر روی خاکریز خط ذوالفقار (صفین) متمرکز کردند. تجربه ارزشمند پاتک روز قبل این فرصت را به دشمن داد که تا حد زیادی با توان و روحیه نیروهای خودی آشنا شده و به این نتیجه برسد که اگر بخواهد، خط صفین را شکسته و تصرف و تأمین نماید باید زمان نبرد را طولانی‌تر کرده و توان مضاعفی را به کار گیرد. تا این زمان، دشمن قریب به هزار دستگاه تانک و نفربر را به صورت چند لایه در منطقه مقابل خط ذوالفقار مستقر کرده بود.\* تجمع این حجم از ادوات زرهی،

\* برادر فتوحی جانشین وقت لشکر می‌گوید: «براساس اسنادی که بعدها از عراقی‌ها به دستمان رسید، حدود هزار دستگاه تانک و نفربر از سپاه‌های سوم و چهارم عراق به این منطقه حمله کردند. این تانک‌ها از طلوع فجر چنان خاکریزها را هدف آتش قرار دادند که ساعت ۱۰ صبح به صورت خمیده هم نمی‌شد در پشت خاکریز حرکت کرد. همچنین در جزوه‌ای از دشمن با نام جنگ تانک با خاکریز به عنوان یک تجربه موفق به این

بی‌سیم‌ی اغلب گردان‌ها در بعضی مواضع مختل و هیچ کس برای برقرار نمودن ارتباط حضوری و پشتیبانی و هدایت نیروها بیش از ده متر قادر به حرکت نبود و در این مسافت حتماً مجروح یا شهید شد. گردان‌ها از هر سو در مخمصه و فشار بودند و هر کدام از این مشکلات برایشان جنبه حیاتی داشت، خصوصاً اینکه لحظه به لحظه این فشارها بیشتر می‌شد و این سیاهی فراگیر، فراگیرتر و ظلمانی‌تر می‌گشت. انهدام کامل از هر سو گردان‌ها را فرا گرفته بود. برای دشمن غیرقابل باور بود که آن همه فشار نتواند عده‌ای قلیل را که با آتش محدود پشتیبانی می‌شدند و بیشتر سلاح و تجهیزات خود را از دست داده بودند از پای در آورد. هر چند یقین داشت که شکست رزمندگان اسلام آسان نبوده و باید برای آن سرمایه‌گذاری زیادی نماید. به همین دلیل با هزار تانک در میدان نبرد حضور پیدا کرد. ولی باز هم در برآوردهایش دچار اشتباه شده و در رویارویی با نیروی مقابل خود محدود فکر کرده بود، لذا توانایی تصرف و اشغال خط ذوالفقار را به آسانی پیدا نمی‌کرد. ساعت ۱۰ صبح روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ فرا رسید. به نظر می‌آمد که همه چیز تمام شده است. فشار بی‌سابقه دشمن گردان‌ها را به صورت کامل منهدم می‌کرد. هر چند که گردان‌ها در مقابل دشمنی با ده‌ها برابر توان خود قرار گرفته بودند. نبرد تن با تانک از سوی نیروها شروع شد. دشمن در نبرد شرق دجله و در سمت راست خط صفین واقعاً از یک طرح ریزی و هدایت برجسته‌ای برخوردار بود ولی برای مقابله با نبردی که تا به حال نه مطالعه و نه تجربه کرده بود فاقد ابتکار بود. یکی از گردان‌هایی که در نبرد روز ششم به دفعات مورد هدف سنگین‌ترین پاتک‌های دشمن قرار گرفت و متحمل تلفات زیادی از جمله شهادت فرمانده جدید گردان شد گردان سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> بود. نیروهای این گردان همانند دیگر گردان‌ها دست به مقاومت کم‌نظیری در برابر دشمن زده و تا آخر ایستادگی نمودند. نیروهای عراقی را متحمل تلفات و خسارات زیادی نموده و آن‌ها را به

بجنگند. رزمندگان لشکر در حالی که دشمن از طریق بلندگو به جنگ روانی پرداخته و از آنان می‌خواست تا خود را تسلیم کنند به مبارزه بی‌امان خود ادامه داده و با تقدیم شهدا و مجروحین زیادی توانستند مانع از پیشروی قطعی دشمن بشوند.

در حد وسط خط صفین نیز دشمن فشار زیادی بر روی گردان‌های مستقر در این خط، از جمله گردان‌های علی ابن ابی طالب، سیدالشهدا<sup>(ع)</sup> و عناصر گردان حضرت رسول<sup>(ص)</sup> وارد می‌کرد. هنگامی که نبرد روز ششم به اوج رسید یک تغییر بسیار فاحش و اساسی در طرفین پیدا شد. وضعیت گردان‌ها به صورت یک وضعیت کاملاً ویژه در آمده بود. آتش دشمن به دلیل حجم بیش از حد مؤثر افتاد و تمامی مواضع دفاعی و غیر دفاعی گردان‌ها را تخریب کرد. به جز پشتیبانی آتش دور برد و سنگین که تا آخرین لحظات و در هر نوع شرایط نبرد ادامه پیدا کرد، سایر پشتیبانی‌های گردان‌ها به حداقل رسید. نیروهای پشتیبانی کننده به علت این که گردان‌ها در سخت‌ترین شرایط نبرد قرار گرفته بودند، از امکان پشتیبانی نیروها مأیوس شدند. حتی اقداماتی که به دفعات از سوی لشکر برای پشتیبانی نیروهای مستقر در خط مقدم صورت می‌گرفت قبل از رسیدن به خط، با شهادت نیروهای پشتیبانی کننده یا انهدام وسایل نقلیه مانند خودروها و موتورسیکلت‌ها به نتیجه نرسید. لذا ذخائر مهمات در حال اتمام بود و سلاح‌ها به دلیل نبودن مهمات کافی ارزش خود را از دست داده بودند. تعدادی از سلاح‌ها نیز خسارت دیده و قابل استفاده نبودند. نیروها در حالی که گرسنه بودند، نه فرصتی برای غذا خوردن داشتند و نه آذوقه‌ای برای آن‌ها مانده بود تا استفاده کنند. به دلیل گرمای شدید منطقه و فعالیت فوق‌العاده نیروها و نبود آب، تشنگی طاقت‌فرسایی همه را فرا گرفته بود. شهدای گردان‌ها بر زمین مانده و مجروحین نقطه امنی برای استقرار تا زمان تخلیه را نداشتند و تعدادی از آن‌ها به دلیل تیر و ترکش‌های مجدد به شهادت می‌رسیدند. ارتباط



جز عقب‌نشینی وجود نداشت. پایان مأموریت لشکر ۱۷ از همان روز پنجم اعلام شده بود، ولی فرماندهان و رزمندگان لشکر به دلیل احساس مسئولیت تا آخر در منطقه عملیاتی بدر مانده و دیگر یگان‌های درگیر را با حداکثر توان یاری کردند. از ساعت ۹ صبح به فرماندهان واحدهای پشتیبان رزم و پشتیبان خدمات رزم دستور دادند که حتی المقدور نیروهایی را که کارایی کمتری دارند به طرف اسکله هدایت نمایند. از حدود ظهر به بعد نیز عناصر گردان‌های مستقر در پشت خاکریز در محدوده سمت راست دجله در حالی که به مقاومت در برابر دشمن ادامه می‌دادند موظف شدند تا به مرور زمان و به صورت تک به تک عقب آمده و به سوی اسکله بروند. نیروهای واحد ادوات نیز تا آخرین لحظات بر روی مواضع و نیروها و تانک‌های دشمن اجرای آتش نموده و سپس با انهدام و از کار انداختن قبضه‌ها به طرف اسکله رفتند. به همین ترتیب همه‌ی نیروها تا قبل از تاریخ شدن هوا ضمن ادامه مقاومت در برابر دشمن به عقب آمده و امکان محاصره نیروها را از دشمن گرفتند.<sup>(۳۱)</sup>

#### پایان عملیات

پس از تاریخ شدن هوا، همه‌ی نیروهای لشکر ۱۷ و یگان‌های همجوار وارد جزیره شده بودند و ازدحام و به هم ریختگی زیادی به چشم می‌خورد و لذا فرماندهان لشکر بر آن شدند تا از فرصت تاریکی شب استفاده کرده و با در امان ماندن از هجوم هواپیماهای دشمن عمده نیرو را از جزیره خارج کنند. افرادی هم مأمور شدند در جزیره شمالی و آب‌های غربی آن مستقر و از تهاجم احتمالی دشمن به مواضع خودی جلوگیری نمایند. فرماندهان لشکر و مسئولین ستاد با هماهنگی‌هایی که به عمل آوردند اتوبوس‌ها و خودروها را از طریق جاده سیدالشهدا به داخل جزیره هدایت و نیروها را تا قبل از روشن شدن هوا از جزیره خارج و به مقر لشکر در انرژی اتمی منتقل کردند.<sup>(۳۲)</sup>

عقب‌نشینی وا می‌داشتند. قبول این‌گونه نبرد از سوی دشمن که تمام لحظات رزمش به همراه طرح‌هایی دقیق، صحیح و از پیش تهیه شده بود، دلیل بر وجود روحیه‌ای خارق‌العاده در نیروهای مقابلش بود که با همه فشارها نتوانست مواضع آن‌ها را منهدم و خاکریز را تصرف نماید. هجوم حدود هزار تانک و نفربر دشمن تنها به قسمت‌های میانی و شمال غربی خط صفین محدود نمی‌شد. این تانک‌ها و نفربرها سرتاسر خط تقریباً چهار کیلومتری صفین را مورد تهاجمات سهمگین خود قرار می‌دادند تا از هر جا که بتوانند به مواضع رزمندگان لشکر و سپس به عمق منطقه عملیاتی نفوذ کرده و تمامی نیروهای جمهوری اسلامی را به محاصره درآورند. رزمندگان لشکر هم این نکته را به خوبی دریافته و دست به مقاومت جانانه‌ای زدند. در قسمت شمال شرقی نیز نیروهای گردان ولی عصر (عج) که از روز قبل در آن‌جا مستقر گردیده و متحمل تلفاتی هم شده بودند در مقابل دشمن ایستادگی کرده و به کمک نیروهای گردان علی‌ابن‌ابی‌طالب (ع) که در سمت چپ آن‌ها و نزدیک به منطقه میانی نبرد مستقر بودند تهاجمات تانک‌ها و نیروهای عراقی را دفع و سرکوب می‌کردند. نبرد تن با تانک تا عصر روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ ادامه پیدا کرد و دشمن قبرستانی از تانک‌ها و خودروها و نفرات تلف شده خود را به جای گذاشته و به مواضع خود برگشت، تعداد تانک‌ها و خودروهای به جامانده از دشمن به حدی زیاد بود که تشخیص سالم یا ناسالم بودن آن‌ها بسیار مشکل بود. پاتک دشمن در روز ۲۵ اسفند ۱۳۶۳ در حالی که اتمام رسید که از گردان‌ها به جز نزدیک به دو یا سه دسته نیرو، توان دیگری باقی نمانده بود. امکانات گردان‌ها از کار افتاده و یا منهدم شده و یا به دلیل نبودن مهمات، سوخت، باطری و امثال آن قابل استفاده نبودند. هر چند فرماندهان و نیروهای رزمنده از چنان روحیه‌ای برخوردار بودند که با عده قلیلی حاضر بودند به نبرد با دشمن ادامه دهند، اما به دلیل این‌که بیش از بیست درصد از توان گردان‌ها باقی نمانده بود چاره‌ای

